

Wednesday, August 07, 2019
10:24 AM

سیر تحول زندان و حقوق محبوسین در افغانستان

علی شفاهی^۱

چکیده

زندان به عنوان مشهورترین و عمومی‌ترین پاسخ در قبال جرائم در تمام جوامع از گذشته تاکنون مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد. با این وجود از گذشته تاکنون نهاد زندان دارای فراز و نشیب‌های گوناگونی بوده است. امروزه اما تغییرات ملموسی در اینکه هدف از اعمال آن چیست وجود آمده است. در گذشته هدف زندان فقط ارباب و تعذیب زندانی بود، اما کم‌کم اهداف انسانی اصلاح مجرم و یا بازدارندگی در قبال اعمال زندان مورد توجه قرار گرفت. در گذشته زندانیان از هیچ‌گونه حقوق اولیه انسانی برخوردار نبودند، اما با توجه به پیشرفت جوامع و توجه به حقوق بشر حقوقی مانند تغذیه مناسب، ارائه خدمات صحتی، حق ارتباط با خویشاوندان، حق تعلیم و تربیت و... مورد توجه قرار گرفت و به تدریج در حق زندانیان اعمال شد. در افغانستان هم این سیر تحول، مسیر پیشرفت خود را ادامه داد که با فراز و نشیب‌هایی با تصویب قانون محابس و توقیف‌خانه‌ها (۱۳۸۶) حقوقی را برای زندانیان به رسمیت شناخته است. با وجود این، هنوز هم می‌توان گفت مسیر تحول در نهاد زندان تا مقصد نهایی دارای چالش‌ها و مشکلات فراوانی است، لذا اندیشمندان این حوزه تا رسیدن به هدف نهایی مسیر پریچ و خمی را پیش‌رو دارند.

کلید واژه‌ها: زندان، حبس، کیفر شناسی، محبس، توقیف‌خانه، محبوس.

۱. دانش‌پژوه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفیٰ العالمیه مشهد مقدس /

shafahi2@yahoo.com

مقدمه

جدال با جرم و مجرمیت از گذشته تا حال امان انسان را بریده است. در این جدال بی امان، انسان از گذشته‌های دور تاکنون راه‌حل‌های بسیاری را تجربه کرده است، ولی هنوز به نقطه اطمینان‌بخشی نرسیده است. کوشش پیوسته حقوقدانان، جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و سایر اندیشمندان و صاحب‌نظران بی‌وقفه ادامه دارد تا بتوانند بهترین راه‌حل را برای مقابله با جرم و مجرم ارائه کنند. یکی از اقداماتی که برای مقابله با جرائم در جوامع مختلف بشری از آن استفاده می‌کنند، زندان است. در اکثر کشورهای جهان این امر یکی از مهم‌ترین ابزارهای دفاع اجتماعی در مقابل پدیده جرم و مجرم به حساب می‌آید. گفته می‌شود که زندان عمری به درازای عمر بشر دارد و در کتاب‌های معتبر تاریخی و قانون‌نامه‌های دوران باستان، کم‌وبیش از زندان، حبس، یا مکان‌هایی شبیه به آن سخن به میان آمده است.

با تشکیل جوامع و ایجاد، توسعه و تقویت حکومت‌ها زندان نیز تا حدودی رواج یافت. زندان از بدو تأسیس آن تا کنون در جوامع مختلف دچار تحولات گوناگونی شده است. در این نوشتار می‌خواهیم سیر تحول زندان را در افغانستان مورد بررسی قرار دهیم.

۱. مفهوم‌شناسی

حبس لغت عربی از ریشه «ح ب س» به معنی مانع شدن از آمدن به کار رفته است. در *المنجد* حبس به معنای زندان، محبس و بازداشتگاه است. (معلوف، ۱۳۸۲: ۲۴۲) فیروزآبادی در *قاموس* می‌گوید: «حبس به معنای مانع شدن است و اسم مکان محبس است». (فیروزآبادی، ۲۰۱۱: ۲۵۷) در فرهنگ معین، حبس به معنای زندانی کردن و بازداشتن و همچنین بازداشت و زندان آمده است. (معین، ۱۳۸۵: ۱۳۳۸)

دهخدا حبس را به معنی بازداشتن، بازداشت، بندکردن، قیدکردن، بستن، قیدکردن و زندان می‌داند. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۸۶۲۰) وی در تعریف زندان می‌گوید: بندی‌خانه، محبس و سجن؛ جایی که محکومان و متهمین را در آن نگه می‌دارند. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲۹۶۱)

در حقوق جزا حبس عبارت است از سلب آزادی و اختیار آمد و شد در مدت معین یا نامعین است که در آن زمان حالت انتظار و ترخیص نباشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۶۱۴)

زندان مکان نگهداری متهمان و محکومان به دلیل سرپیچی از قوانین یا ارتکاب جرم می‌باشد. در اکثر موارد هدف از زندانی کردن محکومان علاوه بر مجازات، بازپروری و بازدارندگی آنان نیز عنوان می‌شود. مرتکبان جرائم شدید چه بسا به حبس ابد هم محکوم شوند. (رامین و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۴۶) یا اینکه گفته شده است زندان جای نگهداری بزهکاران است.

مطلق زندان منصرف به زندان کیفری است. اکنون زندان محل تربیت مجرمان شده است و جنبه انتقام را از دست داده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۱۰۴)

در قوانین مربوط به زندان در افغانستان، تعریفی از حبس به میان نیامده بود. فقط به تفاوت میان محبس و توقیف‌خانه اشاره شده است. مثلاً در ماده ششم قانون محابس و توقیف‌خانه‌های افغانستان مصوب ۱۳۸۶ تقسیم‌بندی زندان‌ها را تعریف می‌کند:

ماده ششم: محلات سلب آزادی به مفهوم این قانون عبارت‌اند از: ۱. محبس؛ ۲. توقیف‌خانه.

بر اساس این ماده، در افغانستان یک محبس (زندان) و یک توقیف‌خانه (بازداشتگاه موقت) داریم که کار برد هر کدام متفاوت است و در ماده هفتم قانون مزبور هر دو را تعریف نموده است.

ماده هفتم: توقیف‌خانه محلی است که اشخاص متهم در حال انتظار محاکمه در آن نگهداری می‌شوند. محبس، محلی است که در آن اشخاصی که به حکم نهایی محکمه محکوم‌علیه قرار گرفته‌اند، نگهداری می‌شوند.

اما در کد جزای افغانستان که در سال ۱۳۹۶ اجرایی شده است، حبس تعریف شده است. در ماده ۱۴۵ حبس را چنین تعریف نموده است:

حبس عبارت است از زندانی ساختن محکوم‌علیه به حکم قطعی محکمه در یکی از محابس که از طرف دولت به این منظور اختصاص یافته است.

ماهیت کیفر حبس

میل فطری بشر به جمع‌گرایی، زمینه تشکیل جوامع را فراهم ساخت. هرچه جوامع گسترده‌تر شدند ارتباطات بیشتر شد و در سایه افزایش ارتباطات تضاد منافع نیز خودی نشان داد و تلاش برای دست‌یافتن به منافع، خواه مشروع و خواه نامشروع منجر به برخوردهایی در روابط بین اعضای جامعه شد. با تشکیل دولت‌ها تلاش شد منافع نوع بشر در چارچوب قانونی خود برآورده شود که لازمه این امر اعمال محدودیت‌هایی بر

اعضای جامعه بود که ضمانت اجرای این محدودیت‌ها و تجاوز از حریم آن نیز در قالب واکنش اجتماع که بعضاً به صورت اعمال مجازات بر شخص خاطی می‌باشد، متبلور شد. کیفر حبس در مقایسه با سایر انواع کیفرهای مبتنی بر محدودیت‌های قانونی برای تصرفات آزادانه افراد در امور خود، سالب آزادی یعنی سلب مطلق آزادی نامیده می‌شود. زندانی کردن فرد در ظاهر و نگاه اول و حتی از لحاظ ماهیت نوعی کیفر است، زیرا این عمل نه تنها خلاف میل و اراده فرد است، بلکه یکی از ویژگی‌های کیفر و سزا محسوب می‌شود.

برای کیفر حبس سه ماهیت قابل تفکیک است:

۱. ماهیت کیفری و محدود با آزار روحی تا اندازه‌ای جسمی که ذات این نوع کیفر است؛
۲. ماهیت اعتباری یا حقوقی حبس که بسته به نوع نظام حقوقی و تعبیرهای پذیرفته‌شده در آن به صفات خاصی متصف می‌گردد و در این صفات علی‌الاصول برای فردی که در آن زندان خاص قرار می‌گیرد، دارای بار حقوقی و آثاری خاص می‌باشد؛
۳. ماهیت اجبارکنندگی و نگاه‌دارندگی و سلب آزادی حبس (محمدی، ۱۳۹۵: ۲۸)

۲. پیشینه زندان در افغانستان

درباره اینکه اولین زندان در افغانستان در چه زمانی ایجاد شده است، اسناد مؤثقی وجود ندارد، ولی با به وجود آمدن حکومت‌های شاهی مطلقه، برای تأمین عدالت از طرف شاه در مناطق معینی زندان‌هایی ایجاد شده است. به قول تاریخ در کشور افغانستان تا سال ۱۳۴۳ حکومت‌های شاهی مطلقه حکم‌فرما بوده که پادشاهان صلاحیت به زندان انداختن، تعیین میعاد حبس و رهایی از زندان تمام اتباع کشور را دارا بودند و احدی را در مقابل تصامیم آنها مجال مخالفت و استدلال نبود. میعاد زندان یا حبس در بسا موارد از طرف پادشاه تعیین می‌شد. در موارد اندکی محاکم به تعیین میعاد زندان حکم می‌نمودند که بعد از توشیح پادشاه قابل اجرا بود (احرار، ۱۳۹۰: ۸)

در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی اولین قانون تحت عنوان «نظام‌نامه توقیف‌خانه‌ها و حبس‌خانه‌ها» نافذ گردید و شامل ۲۷ ماده بود. در ماده اول آن چنین تصریح شده بود: در هر مرکز نایب‌الحکومه‌گی و حکومتی‌های اعلی و حکومتی‌های سائره یک توقیف‌خانه و در مرکز نایب‌الحکومه‌گی و حکومت‌های اعلی و حکومت‌های کلان

حبس‌خانه‌ها و علاوه بر آن در دارالسلطنه کابل یک حبس‌خانه عمومی موجود هستند.

در دوره محمد نادر شاه در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی دستور دیگری درباره زندان به نام «اصول‌نامه توقیف‌خانه‌ها و حبس‌خانه‌ها» نافذ شد که به موجب مهر توشیح شاهانه محمدنادرشاه اجازه انفاذ داده شد. مطابق حکم ماده سوم اصول‌نامه متذکره:

توقیف‌خانه‌ها مخصوص به اشخاصی است که مطابق اصولات موضوعه تحت توقیف می‌آیند و هنوز حکم قطعی درباره‌شان صادر نشده باشد. در محبس اشخاصی می‌باشند که درباره‌شان فیصله و حکم قطعی صادر شده باشد.

در سال‌های بعد بعضی مواد اصول‌نامه مذکور در سال ۱۳۲۶ هجری خورشیدی مورد تعدیل قرار گرفت، اما اصول‌نامه مذکور با یک سلسله اضافاتی که طی فرامین محمد ظاهرشاه صادر شده بود تا سال ۱۳۶۱ هجری خورشیدی نافذ و لازم‌الاجرا بود.

در سال ۱۳۶۱ با روی کار آمدن نظام کمونیستی اصول‌نامه مذکور ملغی و قانونی تحت عنوان «قانون تطبیق حبس در محابس» با فرمان هیئت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان تصویب و لازم‌الاجرا شد. این قانون تا زمان سقوط حاکمیت کمونیست‌ها و روی کار آمدن مجاهدین لازم‌الاجرا بود، اما با آمدن مجاهدین و طالبان و جنگ‌های خانمان‌سوز توجهی خاص به امر قانون‌گذاری نشده بلکه با اعمال قوانین قبلی و اعمال بعضی اصلاحات همان قوانین اجرا می‌شده است.

بعد از طی چند دهه جنگ‌های متواتر در سال ۱۳۸۰ هجری خورشیدی فصل نوینی برای حاکمیت شکل گرفت و حکومت جدید به وجود آمد که در این دوره به زندانیان و امور زندان توجه صورت گرفت. در پایتخت و مراکز ولایات، زندان‌ها اعمار و بازسازی شد و جهت رسیدگی به امور زندانیان قوانینی از جمله «قانون رسیدگی به تخلفات اطفال» در سال ۱۳۸۳ هجری شمسی، «قانون محابس و توقیف‌خانه‌ها» و همچنین «مقرره تنظیم امور محابس و توقیف‌خانه‌ها» در سال ۱۳۸۶ هجری شمسی و «قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال» در سال ۱۳۸۷ هجری شمسی بر اساس فرمان رئیس جمهور توشیح و نافذ شد.

۳. اهداف مجازات حبس در افغانستان

الف) اهداف زندان در قوانین گذشته

در گذشته هدف مهم زندان مجازات زندانی بوده و آزار جسمی و روانی زندانی امری طبیعی بوده است. به تدریج اهداف جدیدی وارد سازمان زندان شده است. مدیران زندان می‌کوشند تا به زندانی به چشم یک انسان خطاکار نگاه کنند که قابل اصلاح است و در جهت اصلاح زندانی از علوم مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و غیره استفاده کنند. اعمال شیوه‌های اصلاح و درمان با مشکلاتی مواجه است و مطالعاتی از این دست می‌تواند پیچیدگی‌های این سازمان بسته را آشکار کند.

زندان‌های افغانستان بعد از اینکه تحت یک نظام منسجم اداری با تصویب اولین قانون تحت عنوان «نظام‌نامه توقیف‌خانه‌ها و محبس‌خانه‌ها» در سال ۱۳۰۲ شمسی قرار گرفت، اهداف انسانی را مد نظر قرار داد؛ البته در این قانون بیشتر به نحوه نگهداری مجرمین اشاره شده و هدف زندان را فقط گذراندن محکومیت می‌داند.

قانون بعدی در مورد زندان در سال ۱۳۱۳ تحت عنوان «اصول‌نامه توقیف‌خانه‌ها و حبس‌خانه‌ها» بدون کمترین تغییری همان موارد نظام‌نامه قبلی را بیان می‌دارد. شاید بتوان از مجموع مواد این دو قانون که با فرمان پادشاه صادر شده بود، این نکته را دریافت که در آنها علاوه بر شکنجه و عذاب مجرم، هدف اصلاح و بازپروری نیز مد نظر قرار گرفته است، چون در هر دو قانون، تأکید بر اجرای زندان تا زمان تعیین شده در حکم را داشت و این خود می‌تواند دلالت بر این مهم داشته باشد که در تعیین میزان حبس حتماً نظر به اصلاح فرد هم بوده است.

قانون بعدی در مورد زندان در سال ۱۳۶۱ در حاکمیت کمونیست‌ها تحت عنوان «قانون تطبیق حبس در محابس» با فرمان هیئت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان تصویب و لازم‌الاجرا شد. در ماده دوم این قانون برای اولین بار به طور صریح به اهداف زندان اشاره شده است:

تطبیق مجازات حبس در محابس به منظور اصلاح محبوسین، آماده ساختن ایشان به کار مفید اجتماعی، احترام و رعایت قوانین، عنعنات و سایر نورم‌های زندگی اجتماعی و اخلاق انسانی و عدم عود به ارتکاب جرم صورت می‌گیرد.

برای رسیدن به این اهداف و تضمین آن، ماده سوم این قانون چنین بیان می‌کند:

به مقصد تأمین حکم ماده دوم این قانون، محبوسین مکلف‌اند نظم و انضباط را در محبس رعایت نموده، کار اصلاحی را انجام، تعلیم و تربیه، کلتور و فرهنگ را فراگیرند. اداره محبس در تطبیق مجازات حبس از ارتکاب عملی که مخالف کرامت انسانی محبوسیت باشد جداً اجتناب ورزد.

آنچه در این قانون در مورد اهداف زندان بیان شده است، بیشتر جنبه اصلاحی آن مد نظر می‌باشد و در مرحله بعد جلوگیری از تکرار جرم از اهداف آن می‌باشد.

ب) اهداف زندان در قانون فعلی افغانستان

قانون فعلی افغانستان که بعد از شکست طالبان و روی کار آمدن نظام جدید تحت عنوان «قانون محابس و توقیف‌خانه‌های افغانستان» مصوب ۱۳۸۶ شمسی تصویب شده است، در راستای تبیین اهداف زندان مواردی را بیان می‌کند. ماده اول این قانون می‌گوید:

۱. این قانون به منظور تأمین حقوق محبوسین و اشخاص تحت توقیف و طرز برخورد با آنها در محابس و توقیف‌خانه‌ها وضع گردیده است.
۲. تطبیق حکم حبس در محابس تنها به منظور اصلاح و آماده ساختن محبوسین به رعایت و احترام قوانین و معیارهای زندگی اجتماعی، اخلاق انسانی، کار مفید اجتماعی و عدم رجوع به ارتکاب جرم صورت می‌گیرد.

این قانون هدف اصلی حبس را اصلاح زندانی می‌داند که این اصلاح باید در راستای قانون‌پذیری باشد که با رعایت قوانین و احترام به آن تحقق پیدا می‌کند. اگرچه در واقع قانون با خواسته‌ها و دیدگاه وی سازگار نباشد. دیگر اینکه با حبس، زندانی معیارهای زندگی اجتماعی، اخلاق انسانی را رعایت نموده و احترام بگذارد. به عبارت دیگر باید روحیه جامعه‌ستیزی در او از بین برود.

یکی دیگر از اهداف زندان بر اساس این ماده این است که مجرم در زندان باید تبدیل به یک عنصر مفید برای جامعه شود، شاید این هدف با اجرای برنامه‌های آموزشی و فرهنگی که در زندان‌ها محقق شود.

هدف مهم دیگر که در راستای اهداف قبلی مطرح می‌شود این است که با اصلاح و جامعه‌پذیر شدن، زندانی دیگر دنبال تکرار جرم نرود. یعنی جلوگیری از تکرار جرم یکی دیگر از اهداف زندان می‌باشد.

به‌طور کلی با توجه به اینکه طبق کد جزای افغانستان، حبس یکی از مجازات‌های اصلی است، در ماده ۱۳۴ کد جزای افغانستان اهداف مجازات‌ها این‌گونه بیان شده است:

اهداف جزا عبارت‌اند از: ۱. تقبیح اعمال غیرقانونی؛ ۲. رعایت احکام قوانین و تأمین عدالت؛ ۳. بازداشتن محکوم و سایر اشخاص از ارتکاب جرائم؛ ۴. همکاری در اصلاح، تربیت و ترویج حس مسئولیت‌پذیری مجرمین با روحیه صادقانه به وظایف اجتماعی؛ ۵. جبران آسیب‌های وارده به جامعه و قربانی؛ ۶. کیفر به خاطر ارتکاب جرم. تضمین و رعایت حقوق اتباع و جامعه.

۴. چالش‌های اصلاح در زندان

مراقبت از زندانی و ایجاد نظم در زندان، اسباب و وسایلی می‌طلبد که با درمان و رعایت حقوق زندانی مغایرت دارد. زندانیان با میل و رغبت خود وارد زندان نمی‌شوند و هنجارهای رسمی و دستورالعمل‌های سازمان زندان را مشروع نمی‌دانند. این وضع حتی با سربازخانه‌ها هم قابل مقایسه نیست، زیرا سربازان حداقل مشروعیت دستورات مافوق را می‌پذیرند. زندانیان به دلیل اقامت در زندان از امتیازات زندگی فردی و اجتماعی، نظیر دیدار با خانواده، استفاده از غذای دلخواه و فعالیت‌های روزانه شغلی و اجتماعی محروم هستند، چنین وضعیتی شرایط مناسبی را برای امر اصلاح و درمان فراهم نمی‌کند.

از سوی دیگر حفظ نظم و امنیت در درون زندان اهمیت دارد. استفاده از روش‌های اصلاحی و درمان در زندان با محدودیت‌های امنیتی روبه‌رو است، به‌طوری‌که مشاوران و درمانگران کمتر قادرند برنامه‌های خود را به سود زندانی پیش ببرند و به تدریج کار آنان به نقش میانجی میان زندانی و مسئولان زندان کاهش می‌یابد. به رغم این مشکلات زندان در همه جای دنیا تداوم یافته است و در عین حال تلاش می‌شود شیوه‌های جدید را جایگزین زندان کنند.

این چالش‌ها در سیستم قضایی افغانستان هم وجود دارد و شاید بتوان گفت که شدت این چالش‌ها به خاطر عدم نظارت کافی بر زندان‌ها در حکومت فعلی افغانستان بیشتر و شدیدتر هم است. دلیل آن هم وجود تعداد زیاد زندانیانی است که بدون محاکمه و تفهیم اتهام در زندان‌ها به سر می‌برند. بدون اینکه قوانین به‌صورت حداقل در مورد آنها رعایت شود.

۵. جایگاه حبس در قوانین جزایی افغانستان

بر اساس ماده ۱۳۶ کد جزای افغانستان «جزا شامل جزاهای اصلی، تبعی و تکمیلی می‌باشد» و جزای اصلی هم بر اساس ماده ۱۳۷ این قانون چنین تعریف شده است: جزای اصلی مجازاتی است که در این قانون برای ارتکاب جرم پیش‌بینی شده و برای تکمیل یا تبعیت از جزاهای دیگری تعیین نشده باشد.

در سیستم کیفری افغانستان حبس جزو مجازات‌های اصلی به شمار می‌رود که توسط قضات دادگاه صالح برای مجرمینی که طبق قانون مستحق آن می‌باشد تعیین می‌گردد. ماده ۱۳۸ کد جزا چنین مرقوم می‌دارد:

جزاهای اصلی دارای انواع ذیل می‌باشد: ۱- جزای نقدی. ۲- حبس. ۳- اعدام. بنابراین حبس در سیستم قضایی افغانستان به عنوان یک مجازات اصلی مطرح بوده و در دادگاه‌ها بر مجرمین اعمال می‌گردد.

انواع حبس

از آنجایی که حبس یک مجازات اصلی و قانونی می‌باشد، پس لازم است که انواع و میزان آن را هم خود قانون مشخص کند. خوشبختانه کد جزای افغانستان در ماده ۱۴۶ و ۱۴۷ انواع حبس و مقدار آن را بیان می‌کند:

۱. حبس قصیر، از سه ماه تا یک سال.
۲. حبس متوسط، بیش از یک سال تا پنج سال.
۳. حبس طویل، بیش از پنج سال تا شانزده سال.
۴. حبس دوام درجه ۲، بیش از شانزده سال تا بیست سال.
۵. حبس دوام درجه ۱، بیش از بیست سال تا سی سال.

۶. حقوق قانونی محبوسین در قوانین افغانستان

تا جایی که سوابق نشان می‌دهد در زمان‌های گذشته هیچ توجهی به اهداف اصلاحی زندان‌ها صورت نگرفته و مجرمین در آنجا با حقارت و در جاهای تاریک و نمناک نگهداری می‌شدند. چنان که توجهی به موضوع اصلاح محابس صورت نمی‌گرفت از سوی دیگر هم به اصلاح مجرمین وقتی نهاد نمی‌شد.

با پیشرفت و انکشافاتی که در علم جرم‌شناسی پدید آمد، اصل لزوم شناسایی شخصیت مجرم، رسمیت پیدا کرد و در مورد علل و انگیزه ارتکاب جرائم و لزوم اجرای

اقدامات تأمینی و احتیاطی برای جلوگیری از وقوع جرم و یا تکرار آن، مطالعات وسیع به عمل آمد و دامنه علم مذکور وسعت یافت و در کنگره‌های بین‌المللی نیز به این موضوع توجهات زیادی مبذول شد. چنان که در سال ۱۸۷۸ در اولین کنگره بین‌المللی حقوق جزا و زندان‌ها که در استکهلم دایر شد، تأکید به عمل آمد که: «به اداره زندان‌ها اختیاراتی برای اجرای روش‌های اصلاحی و تربیتی بدون قید و شرط در حدود تعیین شده در قوانین کیفری (جزایی) تفویض گردد».

در سال ۱۹۳۳ اصطلاح «حقوق زندانیان» در سومین کنگره بین‌المللی حقوق جزا و زندان‌ها پذیرفته شد و حقوق زندانیان چنین تعریف شد:

مجموعه قواعد و اصول قانونی که رابطه بین دولت و محکوم را از زمان شروع اجرای مجازات و یا تاریخ بازداشت تعیین می‌کند و طرز اجرای کیفر، روش‌های اصلاحی و تربیتی و یا درمانی و تطبیق دادن آنها با شخصیت بزه‌کاران (مجرمین) و همچنین تشکیلات زندان‌ها و شرح وظایف مسئولین، کار در زندان‌ها، اصولی که به رعایت آنها مستلزم بهبود وضع زندانیان و آماده نمودن آنان برای بازگشت به زندگی اجتماعی است موضوع (حقوق زندانیان)، است. (ژوبل، ۱۳۸۲: ۱۰۲)

پیشرفت دیگر در این حوزه، قانون «حداقل مقررات معیار برای رفتار با زندانیان» مصوب نخستین کنگره سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۵ در ژنو در مورد پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان بود که با قطعنامه‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۷۷ شورای اقتصادی و اجتماعی به تصویب رسید. در این قانون حداقل معیارهای منطبق با حقوق اولیه انسانی بیان می‌شود که باید در مورد زندانیان رعایت شود، اگرچه برای تأمین حقوق انسانی زندانیان باید بیشتر از این موارد باید در قوانین ملی مد نظر قرار بگیرد.

در ماده اول این قانون چنین بیان شده است:

هدف از اعلام مقررات زیر توصیف مشروح نظامی نمونه از نهادهای کیفری نیست. این مقررات درصدد است بر مبنای اجماع کلی اندیشه معاصر و عناصر ضروری کارآمدترین نظام‌های امروزی، فقط آنچه را که عموماً به عنوان اصل و کار خوب در رفتار با زندانیان و اداره زندان‌ها پذیرفته شده شرح دهد.

در راستای تحقق همین اصول و قواعد پذیرفته شده بین‌المللی «قانون محاسب و توقیف‌خانه‌ها»ی افغانستان هم در ماده اول هدف از تصویب این قانون را چنین تبیین می‌کند:

این قانون به منظور تأمین حقوق محبوسین و اشخاص تحت توقیف و طرز برخورد با آنها در محابس و توقیف‌خانه‌ها وضع گردیده است. و به حقوقی که محبوسین در جریان سپری نمودن حبس در محابس از آن برخوردار می‌باشند تأکید می‌ورزد.

در ماده پنجم تحت عنوان «برخورد با محبوسین» تأکید می‌کند:

۱. کارکنان محابس مکلفاند با محبوسین طوری برخورد مناسب نمایند که بعد از رهایی ایشان به حیث شهروندان تابع قانون وارد جامعه گردند؛
۲. مسئولین محابس و توقیف‌خانه‌ها مکلفاند به منظور استفاده بهتر محبوسین و اشخاص تحت توقیف از حقوق قانونی، آنها را به گروه‌های جداگانه نظر به نوعیت جرم، خصوصیات، عادات و احساس مشترک تقسیم نمایند؛
۳. مسئولین توقیف‌خانه‌ها مکلفاند تسهیلات لازم تعلیمی، تربیوی و زمینه اشتغال به کارهای جسمانی را به متهمینی که انتظار محاکمه را دارند فراهم کنند.

برخی از مهم‌ترین حقوق زندانیان که بر اساس مقررات بین‌المللی و مقررات داخلی افغانستان برای زندانیان مد نظر قرار گرفته است و باید از طرف مسئولین زندان‌ها رعایت شود، عبارت‌اند از:

یکم) جداسازی گروه‌های زندانی

بر اساس ماده ۸ «حدائق مقررات معیار برای رفتار با زندانیان» مصوب سازمان ملل، دسته‌های گوناگون زندانیان با توجه به جنسیت، سن، سابقه جنایی، دلیل قانونی برای بازداشت و ضرورت‌های رفتار با آنان، باید در زندان‌های جدا با بخش‌های جداگانه نگهداری شوند. بنابراین:

۱. مردان و زنان تا حد امکان باید در زندان‌های جداگانه نگهداری شوند. در زندانی که مردان و زنان را نگهداری می‌کنند تمام قسمت‌های اختصاص داده شده به زنان باید کاملاً جدا باشد.

مطابق با این مقرر بین‌المللی، بند یک ماده نهم قانون محابس افغانستان هم می‌گوید: «محابس و توقیف‌خانه‌های زنان از مردان جدا می‌باشد».

۲. زندانیان محاکمه نشده باید جدا از زندانیان محکوم شده، نگهداری شوند. این امر هم بر اساس قانون در افغانستان پذیرفته شده است. در ماده ششم قانون محابس و توقیف‌خانه‌ها محلات سلب آزادی را بر اساس قانون مذکور عبارت از محبس

و توقیف‌خانه می‌داند و در ماده هفتم توقیف‌خانه را محل نگهداری اشخاص متهم در حال انتظار محاکمه تعریف می‌کند.

در همین ماده محبس را محل نگهداری اشخاصی که به حکم نهایی محکمه محکوم‌علیه قرار گرفته‌اند تعریف می‌کند. همچنین در ماده بیستم بین متهمین و محکومین تفاوت قائل شده و محل نگهداری هر کدام را چنین بیان می‌کند:

۱. مظنونین و متهمین در توقیف‌خانه‌های ولسوالی و یا ولایتی نگهداری می‌شوند که قضایایشان تحت رسیدگی عدلی قرار دارند.

۲. اشخاص محکوم به حبس در محابسی نگهداری می‌شوند که به محل سکونت فامیل‌هایشان نزدیک باشند.

بنابراین توقیف‌خانه‌ها محل نگهداری متهمین و مظنونین و محابس مختص محکومان قطعی می‌باشد.

۳. اشخاصی که به علت بدهکاری مالی زندانی شده‌اند و سایر زندانیان مدنی باید جدا از اشخاصی نگهداری شوند که به دلیل جرم جنایی زندانی شده‌اند.

شاید بتوان از بند دوم ماده پنجم قانون محابس و توقیف‌خانه‌های افغانستان تفکیک بین محبوسین مدنی و جزایی را استنباط نمود و آلا در این قانون به طور صریح جداسازی این دو نوع حبس اشاره‌ای نشده است. بند دوم می‌گوید:

مسئولین محابس و توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند به منظور استفاده بهتر محبوسین و اشخاص تحت توقیف از حقوق قانونی، آنها را در گروه‌های جداگانه نظر به نوعیت جرم، خصوصیات، عادات و احساس مشترک تقسیم نمایند.

۴. زندانیان جوان باید جدا از بزرگسالان نگهداری شوند. به این مهم هم در بند دوم و سوم ماده نهم قانون محابس پرداخته شده است.

بند دوم:

محبوسین و متهمینی که سن ایشان از ۱۸ سال بالاتر و از ۲۵ سال کمتر باشد در محابس و توقیف‌خانه‌های جداگانه نگهداری می‌شوند. در صورت عدم امکان، چنین اشخاص در بخش‌های جداگانه محابس و توقیف‌خانه‌ها نگهداری می‌شوند.

بند سوم:

احکام مندرج فقره‌های (۱) و (۲) این ماده در مورد جدا نگه‌داشتن اطفال و نوجوانان از بزرگسالان نیز قابل رعایت است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود مطابق قانون محابس افغانستان علاوه بر جداسازی اطفال که در مقررات بین‌المللی بر آن تأکید شده است، در افغانستان نوجوانان و جوانان تا سن ۲۵ سال هم باید جدا از بزرگسالان در زندان‌های مخصوص خود نگهداری شوند. علاوه بر این، طبق ماده یازدهم گروه دیگری از زندانیان را نیز باید جدا از دیگران نگهداری نمود. این گروه شامل زندانیان معلول و مریض و زنان باردار می‌باشد. ماده یازدهم چنین مقرر می‌دارد:

محبوسین و اشخاص تحت توقیف مصاب به امراض روانی و جسمی، زنان باردار و معلولین در مراکز صحتی محابس و توقیف‌خانه‌ها نگهداری می‌شوند. در صورت عدم موجودیت مراکز صحتی، چنین اشخاص در قسمت‌های خاص صحتی آن نگهداری می‌شوند.

دوم) رعایت استانداردهای محل نگهداری

اگرچه زندانی به خاطر نقض قانون باید مجازات شود و حبس هم نوعی کیفر است، اما این امر نباید موجب نقض حقوق اولیه و طبیعی او شود، لذا بر مسئولین زندان لازم است که حداقل احتیاجات معیشت متناسب با شخصیت یک انسان را برای زندانی مهیا نمایند. بر اساس مقررات بین‌المللی زندان باید دارای بعضی استانداردهای پذیرفته‌شده باشد. ماده ۳۳ قانون محابس افغانستان می‌گوید:

۱. محابس و توقیف‌خانه‌ها با رعایت ارزش‌های اسلامی و اصول و شرایط معیاری سازمان ملل متحد اعمار می‌گردد.
۲. وزارت داخله مکلف است ساختمان‌های موجود محابس و توقیف‌خانه‌ها را با رعایت ارزش‌های اسلامی، اصول و شرایط معیاری سازمان ملل متحد اعمار نماید.

در حداقل مقررات معیار برای رفتار با زندانیان سازمان ملل چنین آمده است:

همه محل‌هایی که برای استفاده زندانیان در نظر گرفته شده و به‌ویژه همه محل‌های خواب باید از همه امکانات بهداشتی برخوردار باشند. توجه لازم به شرایط آب‌وهوای آن به‌ویژه مقدار هوا، حداقل مساحت کف، نور، گرما و تهویه مبدول شود. در همه جاهایی که لازم است زندانیان در آنها زندگی یا کار کنند؛ (الف) پنجره‌ها باید آن‌قدر بزرگ باشند که زندانیان بتوانند با نور طبیعی مطالعه یا کار کنند و چنان ساخته‌شده باشند که امکان ورود هوای تازه را به اتاق فراهم سازند حتی اگر تهویه مصنوعی داشته باشند.

ب) باید نور مصنوعی کافی برای زندانیان فراهم شود تا بدون آسیب به چشم مطالعه و کار کنند. تأسیسات بهداشتی باید کافی باشد تا همه زندانیان بتوانند هنگام ضرورت و به روشی تمیز و مناسب قضای حاجت کنند. تأسیسات کافی حمام و دوش باید فراهم باشد تا هر زندانی بتواند و ملزم شود در دمایی متناسب با اقلیم به دفعاتی که برای بهداشت عمومی برحسب فصل و منطقه جغرافیایی، اما حداقل یکبار در هفته در آب و هوای معتدل استحمام کند یا دوش بگیرد. همه بخش‌های یک زندان که به طور منظم مورد استفاده زندانیان است باید به طور مناسبی نگهداری و همیشه با دقت تمیز شود (حداقل مقررات معیار برای رفتار با زندانیان، مواد ۹-۱۴)

در راستای تحقق همین اهداف و معیارهای بین‌المللی، ماده ۲۴ قانون محاسب افغانستان نیز مقرر می‌دارد:

۱. ادارات محاسب و توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند محاسب و توقیف‌خانه‌ها را با وسایل صحتی مناسب مجهز و محیط آن را به صورت درست و نظیف نگهداری نمایند.
۲. وزارت داخله به همکاری وزارت صحت عامه در مورد مساحت، محل بود و باش، اندازه روشنی اتاق و امور مربوط به تهویه و تسخین محاسب و توقیف‌خانه‌ها تدابیر لازم را اتخاذ می‌نمایند.

سوم) برخورداری از تغذیه مناسب

بر اساس حداقل مقررات معیار برای رفتار با زندانیان سازمان ملل یکی از حقوق مسلمی که برای زندانی باید توسط مسئولین زندان در نظر گرفته شود تغذیه مناسب زندانی است:

مدیریت زندان به هر زندانی باید در ساعات معمول غذای مقوی که برای سلامت و توانایی او کافی بوده و کیفیت خوب داشته و به خوبی تهیه و سرو شود، تحویل دهد. آب آشامیدنی باید در دسترس هر زندانی هرگاه که نیاز داشته باشد قرار بگیرد (حداقل معیار برای رفتار با زندانیان، ماده ۲۰)

برای تأمین این بخش از حقوق زندانیان هم ماده ۲۵ قانون محاسب افغانستان هم تأکید می‌ورزد:

۱. ادارات محاسب و توقیف‌خانه‌ها برای محبوسین و اشخاص تحت توقیف با در نظر داشت سن، حالت صحتی به خصوص حالت بارداری و ولادت، کار و موسم، آب و غذای صحتی و مناسب تهیه می‌نمایند.

۲. کمیت و کیفیت غذا توسط وزارت صحت عامه نظارت گردیده و مطابق مینوی منظور شده از طرف شورای وزیران تثبیت می‌گردد.

چهارم) فراهم‌سازی فضای ورزش و نرمش

یکی دیگر از معیارهای بین‌المللی برخورداری از ورزش و نرمش زندانی برای حفظ سلامت جسمی، روحی و روانی می‌باشد. مقررات بین‌المللی در این درباره می‌گوید:

هر زندانی که به کار در هوای آزاد اشتغال ندارد اگر هوا اجازه دهد باید هر روز حداقل یک ساعت نرمش مناسب در هوای آزاد داشته باشد. زندانیان جوان و زندانیان دیگر دارای سن و فیزیک مناسب در طول دوره ورزش باید تحت آموزش ورزشی و تفریحی قرار گیرند به این منظور تأسیسات و تجهیزات لازم باید فراهم شود. (حداقل مقررات معیار برای رفتار با زندانیان، ماده ۲۱)

برای تأمین این بخش از حقوق زندانیان، ماده ۲۶ قانون محابس افغانستان مقرر می‌دارد:

محبوسین حق دارند روزانه برای مدتی که حداقل دو ساعت در فضای آزاد گشت‌وگذار نموده یا تمرینات سپورتی را اجرا نمایند. آمر محبس می‌تواند این مدت را در حالات خاص و استثنایی برای مدتی که کمتر از یک ساعت نباشد کاهش دهد. در این صورت آمر محبس مکلف است از اجراءات خویش سارنوالی مربوط را مطلع سازد.

پنجم) ارائه خدمات صحی (پزشکی)

یکی دیگر از حقوقی که رعایت آن برای زندانیان بسیار مهم می‌باشد و قانونگذاران بین‌المللی و داخلی معمولاً به آن توجه دارند، ارائه خدمات صحی برای زندانیان است. این امر آن قدر مهم است که سازمان ملل متحد در حداقل مقررات معیار چنین ماده را به تشریح این امر قرار داده است. این قانون در این مورد می‌گوید:

در هر زندان حداقل یک پزشک با صلاحیت با اطلاعاتی درباره روان‌پزشکی در دسترس باشد. خدمات پزشکی باید در رابطه نزدیک با مدیریت عمومی بهداشت جامعه یا کشور سازمان داده شود. این خدمات باید شامل خدمت یک روان‌پزشک برای تشخیص و در موارد مناسب، مداوای حالات ناهنجاری روانی باشد. زندانیان بیماری که نیاز به مداوای تخصصی دارند باید به مؤسسات تخصصی یا بیمارستان‌های عدی منتقل شوند. هر زندان که در داخل آن بیمارستان هست، تجهیزات، لوازم و وسایل پزشکی آن باید برای مراقبت‌های بهداشتی و مداوای زندانیان بیمار مناسب و کارکنان آن آموزش‌های لازم را دیده باشند. خدمات

دندان‌پزشک با صلاحیت باید در دسترس همه زندانیان باشد. در زندان‌های زنان باید مکان ویژه برای همه مراقبت‌ها و مداوای قبل و بعد از زایمان وجود داشته باشد. اقدامات لازم برای تولد نوزادان در بیمارستانی بیرون از زندان، هرگاه عملی باشد، باید انجام شود. اگر کودکی در زندان به دنیا آید، این موضوع نباید در گواهی تولد او ذکر شود. در جایی که نگهداری کودکان شیرخوار با مادرانشان در زندان مجاز است، برای ایجاد شیرخوارگاه دارای کارکنان واجد شرایط، و اینکه این کودکان هنگامی که تحت مراقبت مادران خود نیستند، در کجا باید نگهداری شوند، باید اقدام لازم انجام شود. پزشک زندان پس از پذیرش هر زندانی باید هرچه زودتر، آن طور که لازم است، با نگاهی به‌ویژه برای پی بردن به بیماری جسمی یا روحی و انجام کلیه اقدامات ضروری جداسازی زندانیان مشکوک به ابتلا به بیماری‌های عفونی یا مسری، توجه به نقص‌های جسمی یا روانی که ممکن است مانع از بازپروری شود و تعیین توانایی جسمی هر زندانی برای کار، او را ببیند و معاینه کند. پزشک زندان باید مراقبت از بهداشت جسمی و روانی زندانیان را به عهده داشته باشد و باید روزانه همه زندانیان بیمار، همه زندانیانی که از بیماری شکایت دارند و هر زندانی را که توجه او به‌ویژه به او جلب می‌شود، ببیند. پزشک زندان هرگاه متوجه شود سلامت جسمی یا روانی یک زندانی بر اثر حبس مداوم یا هر علت دیگر ناشی از حبس به حد زبان‌آوری تحت تأثیر قرار گرفته یا خواهد گرفت باید موضوع را به مدیر زندان اطلاع دهد. (حداقل مقررات معیار برای رفتار با زندانیان، مواد ۲۱-۲۵)

قانونگذار افغانستان هم به اهمیت صحت و سلامت زندانیان توجه داشته و با توجه به مقررات بین‌المللی و اصول اخلاقی و دینی مراقبت‌های صحی (پزشکی) را در ماده ۲۷ قانون محابس گنجانده و مد نظر قرار داده است. در این ماده به موارد ریز رسیدگی‌های پزشکی و مراحل آن اشاره شده است:

۱. ادارات محابس و توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند برای محبوسین و اشخاص تحت توقیف، خدمات صحی رایگان را با همکاری وزارت صحت عامه فراهم نمایند.
۲. در صورتی که تداوی و معالجه مریض محبوس یا تحت توقیف در مرکز صحی داخل محبس یا توقیف‌خانه ناممکن باشد، آمر محبس یا توقیف‌خانه می‌تواند به اساس پیشنهاد داکتر موظف مریض را به شفاخانه مناسب خارج از محبس یا توقیف‌خانه انتقال و سارنوالی مربوط را از اجراءات خویش مطلع سازد. آمر محبس و توقیف‌خانه مکلف است با همکاری قومندانان امنیه تدابیر لازم احتیاطی را غرض تأمین امنیت وی فراهم نماید.

۳. داکتر موظف مکلف است جهت رعایت قواعد صحی و حفظالصحه غذای روزمره را کنترل و حداقل دو بار در هفته اتاق‌های بودوباش و خدمات مجوسین و اشخاص تحت توقیف را معاینه نماید.

۴. مجوسین و اشخاص تحت توقیف مشکوک از لحاظ صحی یا مبتلا به امراض ساری در قسمت‌های خاص و جداگانه محاسب و توقیف‌خانه‌ها نگهداری می‌شوند.

ششم) فراهم نمودن زمینه کار و فعالیت مناسب

در گذشته‌ها از نیروی بدنی زندانیان در کارهای شاقه و طاقت‌فرسا استفاده می‌شد و هدف آن هم زجر و شکنجه بود، اما با پیشرفت جوامع، تلاش حقوقدانان، فراهم نمودن زمینه کار و به کار گماشتن زندانیان در راستای اصلاح و بازپروری آنان می‌باشد. تأکید دانشمندان در مورد اشتغال مجوسین به کار روی هدف اصلاح و تربیت مجدد مجوسین استوار بوده و تأکید دارند که مشغول نگه‌داشتن مجوسین به کار، باید ضمیمه اصلاح و تربیت و بازگشتشان به زندگی عادی اجتماعی باشد.

این موضوع در کنگره‌های مختلف علمی مورد بحث قرار گرفته و با تحلیل جوانب مختلف به موضوع نه تنها کار برای مجوسین را حق آنها دانسته، بلکه اجباری بودن کار را در محاسب نیز روی اهداف اصلاح و تربیت مجدد تأیید و تأکید نموده‌اند (ژوبل، ۱۳۸۲:

(۱۰۲

در مقررات بین‌المللی هم به این امر اشاره شده است:

کار در زندان نباید ماهیت آزاردهنده داشته باشد. همه زندانیانی که دوره محکومیت خود را می‌گذرانند بر اساس آمادگی جسمی و روانی خود که پزشک زندان تعیین خواهد کرد باید ملزم به کار باشند. امکان کار کافی با ماهیت مفید برای مشغول نگه‌داشتن فعالانه زندانیان برای روز کاری عادی باید فراهم باشد. کار ارائه‌شده باید تا حد امکان چنان باشد که توانایی زندانیان را برای تأمین زندگی شرافتمندانه پس از آزادی حفظ یا بیشتر کند. امکان آموزش حرفه‌ای کارهای مفید، به‌ویژه برای زندانیان جوان فراهم باشد تا بتوانند از این راه سود ببرند. در چارچوب حدود سازگار با گزینش حرفه‌ای و مناسب با مقتضیات مدیریت و انضباط زندان، زندانیان باید قادر باشند نوع کاری را که مایل‌اند انجام دهند، انتخاب کنند.

سازمان‌دهی و روش‌های کار در زندان‌ها باید تا حد امکان شبیه کار مشابه در خارج از زندان‌ها باشد تا زندانیان را برای شرایط زندگی حرفه‌ای عادی آماده کند. به‌رحال منافع زندانیان و آموزش حرفه‌ای آنان نباید دستاویزی برای رسیدن به سود مالی از یک صنعت در زندان باشد. صنایع و مزارع زندان ترجیحاً باید به طور مستقیم به وسیله مدیریت زندان، و نه به وسیله مقاطعه‌کاران خصوصی، اداره شود.

هر جا که زندانیان برای انجام کاری استخدام شده باشند کار تحت کنترل مدیریت زندان نباشد، زندانیان باید همیشه تحت نظارت کارکنان زندان باشند. اگر کار برای ادارات دولتی نباشد، مزدهای عادی کامل برای چنین کاری، با توجه به محصول کار زندانیان باید به وسیله اشخاصی که کار برای آنان انجام می‌شود، به مدیریت زندان پرداخت شود.

اقدامات احتیاطی مشابه آنچه که برای محافظت از امنیت و سلامت کارکنان آزاد انجام می‌شود باید در زندان‌ها به عمل آید. برای بیمه و پرداخت خسارت به زندانیان در برابر صدمات صنعتی، از جمله بیماری‌های ناشی از کار، بر اساس شرایط برابر با آنچه قانون برای کارکنان آزاد در نظر گرفته، باید اقدام شود. حداکثر ساعات کار روزانه و هفتگی زندانیان باید به وسیله قانون یا بر اساس مقررات مدیریت زندان، با در نظر گرفتن مقررات و عرف محلی در مورد استخدام کارکنان آزاد، تعیین شود. باید یک روز برای استراحت در هفته و زمان کافی برای آموزش و سایر فعالیت‌هایی که انجام آن‌ها به عنوان بخشی از مداوا و بازپروری زندانیان لازم است، در نظر گرفته شود. باید روشی برای پرداخت منصفانه مزد کار زندانیان وجود داشته باشد. بر اساس این روش زندانیان باید اجازه داشته باشند حداقل بخشی از درآمدهای خود را برای تهیه کالاهای مجاز برای استفاده خود صرف کنند و بخشی از درآمدهای خود را برای خانواده خود بفرستند. در این روش باید پیش‌بینی شود بخشی از درآمدها به وسیله مدیریت زندان در صندوق پس‌انداز حفظ شود تا هنگام آزادی در اختیار زندانی گذاشته شود (حداقل مقررات معیار برای رفتار با زندانیان، مواد ۷۱-۷۶)

حق کار و فعالیت مناسب برای زندانیان در ماده ۲۸ قانون محاسبات افغانستان

پیش‌بینی شده و حکم توضیحی آن در ماده ۳۳ به تفصیل بیان شده است:

۱. ادارات محاسبات می‌توانند فعالیت‌های صنعتی و زراعتی محاسبات مربوط را از طریق تصدی‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی تنظیم نمایند. ساعات کار و رخصتی‌ها مطابق احکام قانون کار عیار می‌گردد.
۲. محبوسین زراعت‌پیشه، هنرپیشه و صنعت‌کاران از کارهای معمولی معاف بوده، می‌توانند مطابق حرفه و شغل کار، در مقابل کار، حق‌الزحمه دریافت نمایند. اندازه حق‌الزحمه از طرف شورای عالی محاسبات تعیین و تثبیت می‌گردد.

هفتم) تشکیل پرونده شخصیت

در حداقل مقررات معیار برای رفتار با زندانیان سازمان ملل در این مورد بیان شده

است که:

هرچه سریع‌تر پس از ورود و پس از بررسی شخصیت هر زندانی با زمان مناسب محکومیت، باید برنامه‌ای برای رفتار با او با توجه به اطلاعات به دست آمده درباره نیازها، توانایی‌ها و خلق‌وخوی شخصی او آماده شود.

اهمیت پرونده شخصیت برای زندانی و در نهایت رعایت حقوق و پایمال نشدن آن برای هر شخص زندانی، در حقوق بین‌الملل خیلی مهم است بر همین اساس ماده ۲۹ قانون محابس افغانستان هم به این مهم پرداخته است و می‌گوید:

۱. برای محبوسین و اشخاص تحت توقیف دوسیه ترتیب می‌شود که در آن سوابق شخص، موقف قانونی، معاینات و سوابق صحی و تمامی معلومات مربوط درج می‌گردد.
۲. موظفین محابس و توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند حین دخول محکوم و متهم به محبس و توقیف‌خانه، غرض ارزیابی مقدماتی در مورد شخصیت، طرز تفکر و مشکلات با وی مصاحبه نمایند.
۳. محبوس یا متهم به اساس ارزیابی مندرج فقره (۱) این ماده تعیین گروپ گردیده و حقایق بدست آمده در دوسیه مربوط وی درج می‌گردد.

هشتم) حق ارتباط با فامیل و اقوام

در ماده ۳۱ قانون محابس و توقیف‌خانه‌ها در مورد این حق مقرر شده است:

۱. محبوس و اشخاص تحت توقیف حق دارند، در محلات خاص تحت کنترل موظفین از طریق ملاقات‌ها، پست و سایر وسایلی که نظم را برهم نزنند با فامیل و اقارب خویش در تماس باشند.
۲. موظفین محابس و توقیف‌خانه‌ها می‌توانند، ملاقات‌های اشخاص مندرج فقره (۱) این ماده را تنها از طریق دیدن مراقبت نمایند طوری که خلاف شرع نباشد و مراسلات ایشان را نیز از نظر بگذرانند.
۳. آمرین محابس و توقیف‌خانه‌ها می‌توانند، به اساس اجازه کتبی سارنوال یا محکمه مربوط، مراسلات و مکاتبات محبوسین و اشخاص تحت توقیف را کنترل نموده و مورد بازرسی قرار دهند.

در حداقل مقررات معیار برای رفتار با زندانیان سازمان ملل متحد هم در مورد این نوع حق زندانی آمده است:

زندانین باید اجازه داشته باشند تحت نظارت ضروری با خانواده و دوستان خود در فواصل منظم از طریق نامه یا ملاقات حضوری ارتباط برقرار کنند.

نهم) حق تعلیم و آموزش حرفه‌ای

امروزه آموزش علمی و حرفه‌ای و عادت دادن زندانیان به مشارکت در گروه‌های هنری و ورزشی و پرورش افکار، یکی از مهم‌ترین اصول اجرای روش‌های اصلاحی و تربیتی در زندان‌ها است. اکثر زندانیان از هوش کافی بهره‌مند نبوده و یا بنا به علل خانوادگی و اجتماعی نتوانسته‌اند به تحصیلات خود ادامه دهند و به علت عدم ثبات در محیط آزاد، حرفه‌ای نیاموخته و شخصاً قادر به تنظیم برنامه تفریحی در اوقات بیکاری و فراغت نمی‌باشند. برای باسواد کردن، پرورش افکار و آموزش حرفه‌ای، تقویت حس اعتمادبه‌نفس و پُرکردن اوقات فراغت زندانیان، بایستی کلاس‌های آموزش علمی و فنی و حرفه‌ای در زندان دایر و برای عادت‌دادن آنان به زندگی اجتماعی و تعاون و همکاری گروه‌های ورزشی و هنری و جلسات سخنرانی تشکیل و برای پرورش استعدادهای نهفته آنان از تمام وسایل ممکن استفاده شود.

حق تعلیم و تربیت هم مطابق با قوانین بین‌المللی است و در حداقل مقررات معیار برای زندانیان سازمان ملل هم به رسمیت شناخته شده و مورد پذیرش قرار گرفته است. در مواد ۷۷ و ۷۸ این مقررات آمده است:

برای آموزش بیشتر همه زندانیانی که قادرند از آموزش سود برند، از جمله آموزش دینی در کشورهایی که این امکان را دارد، باید پیش‌بینی‌های لازم انجام شود. آموزش بی‌سوادان و زندانیان جوان باید اجباری باشد و مدیریت زندان توجه ویژه به آن مبذول کند. تا آنجا که عملی باشد نظام آموزش زندانیان باید با نظام آموزشی کشور یکسان باشد تا زندانیان بتوانند پس از آزادی بدون دشواری به آموزش خود ادامه دهند. امکان انجام فعالیت‌های تفریحی و فرهنگی باید در همه زندان‌ها برای کمک به بهداشت روانی و جسمی زندانیان فراهم شود.

حق تعلیم، و آموزش حرفه‌ای هم مانند حق کار در ماده ۲۸ قانون محاسبات و توقیف خانه‌های افغانستان به رسمیت شناخته شده و در ماده ۳۲ قانون مذکور به این عبارت تدوین شده است:

ادارات محاسبات مکلف‌اند، مطابق پروگرام‌های منظور شده وزارت معارف برای محبوسین، با در نظر داشت احوال شخصی آنها، کورس‌های آموزشی تربیوی و حرفه‌ای را به سطح ابتدایی و عالی تنظیم نمایند.

دهم) حق ادای مناسک دینی

یکی دیگر از حقوق مسلمی که برای زندانیان در قوانین بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است، حق آزادی دینی زندانیان و ادای مناسک دینی است که مسئولان زندان باید زمینه انجام آن را برای زندانیان فراهم سازند. در مواد ۴۱ و ۴۲ حداقل مقررات معیار برای زندانیان دسترسی به این حق را به این صورت بیان می‌کند:

۱. اگر زندان تعداد کافی زندانی پیرو یک دین داشته باشند، نماینده‌ای با صلاحیت از آن دین باید منصوب یا تأیید شود. اگر تعداد زندانیان ایجاب کند و شرایط اجازه دهد، حضور نماینده فوق باید بر بنای تمام وقت باشد.
۲. نماینده‌ای با صلاحیت که بر اساس پاراگراف (۱) منصوب یا تأیید شده باشد باید مجاز باشد در زمان‌های مناسب مراسم منظم دینی انجام دهد و این مراسم را به طور خصوصی نیز برای زندانیان هم دین خود به عمل آورد.
۳. دسترسی به نماینده با صلاحیت هیچ دینی نباید از هیچ زندانی دریغ شود. تا آنجا که عملی باشد هر زندانی باید اجازه داشته باشد نیازهای زندگی دینی خود را با شرکت در مراسم دینی که در زندان به جا می‌آید و داشتن کتاب‌های دینی، اقامه و آموزش مذهب خود ارضا نماید.

قانون محابس و توقیف‌خانه‌های افغانستان هم با توجه به اصول بین‌المللی و مبانی اسلامی این حق را در ماده ۳۴ به رسمیت شناخته و مورد تأیید قرار داده است:

محبوسین و اشخاص تحت توقیف حق دارند عبادات و مناسک دینی و مذهبی را با رعایت حقوق دیگران آزادانه اداء و تعلیمات دینی خویش را کسب نمایند.

یازدهم) حق رخصتی (مرخصی) زندانی

یکی دیگر از حقوق شناخته شده برای زندانی در دوران گذراندن محکومیت برخوردار از حق رخصتی (مرخصی) است که مسئولان زندان باید به آن توجه داشته باشند. بر اساس حداقل مقررات معیار برای زندانیان تأکید شده است که:

برای حفظ و بهبود روابط مطلوب بین زندانی و خانواده‌اش که به نفع دو طرف باشد باید توجه ویژه مبذول شود. از ابتدای محکوم شدن زندانی ملاحظات را باید برای آینده او ... از آزادی در نظر داشت و او را تشویق و یاری کرد تا چنین روابطی را با اشخاص یا سازمان‌های خارج از زندان حفظ یا برقرار کند تا بهترین منافع خانواده او و بازپروری اجتماعی خود او تأمین شود.

یکی از مهم‌ترین راه‌های تأمین این اهداف دادن مرخصی به زندانی است تا بدون سلطه روحی زندان با جامعه پیرامون خود ارتباط داشته باشد.

در راستای تأمین این هدف در ماده ۳۷ قانون محابس و توقیف‌خانه‌های افغانستان، تصریح شده است:

۱. به منظور حفظ بهتر روابط فامیلی محبوسین با فامیل و محیط بیرون از محبس و تأمین احساس تابعیت از قانون در داخل و خارج محبس برای محبوسین با درنظرداشت حالات، الی مدت ۲۰ روز رخصت داده می‌شود. محکومین جرم جنایت از این حکم مستثنی است. طرز اعطاء و استفاده از این رخصتی توسط لایحه جداگانه تنظیم می‌گردد... ۴. مدت رخصتی‌های مندرج این ماده در دوره حبس محاسبه می‌گردد.

دوازدهم) حق شکایت

ماده ۴۵ قانون محابس افغانستان این حق را به رسمیت شناخته و بیان می‌دارد:

۱. محبوسین و اشخاص تحت توقیف حق دارند به آمرین محابس و توقیف‌خانه‌ها، رئیس عمومی محابس، سارنوال، وزیر عدلیه، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و شورای ملی شکایات شفاهی و کتبی خیش را تقدیم نمایند. شکایات کتبی قبل از رسیدگی در دفتر مربوط ثبت می‌گردد.
۲. شکایات و عرایضی که به سارنوالی، محاکم یا سایر ادارات دولتی راجع است، توسط اداره محبس و توقیف‌خانه در مدت ۲۴ ساعت طور محرمانه به مراجع مربوط ارسال می‌گردد.
۳. مراجع مندرج فقره‌های ۱ و ۲ این ماده مکلفاند در مورد رفع شکایات در حدود احکام قانون تصامیم لازم را اتخاذ نمایند.

بعضی حقوق دیگر که برای محبوسین لازم بوده و قانون محابس افغانستان هم به آن پرداخته است مانند حق انتقال زن باردار به شفاخانه (ماده ۵۵) و حق ملاقات فرزندان با والدین (ماده ۵۶) و حقوق دیگری که در قانون محابس و قوانین مربوطه دیگر به آن اشاره شده است.

نتیجه

حبس نمودن مجرم یا اقدامات مشابه که باعث قطع ارتباط مجرم و خلافکار با دنیای خارج می‌شود، صرف اینکه آزادی وی گرفته می‌شود و از آزادی محروم است، اقدامی آزاردهنده است. بنابراین نظام زندان نباید به استثنای جداسازی فرد مجرم از جمع که خود دارای رنج ذاتی می‌باشد، رنج و عذاب او را با اقدامات دیگر و محروم نمودن او از حقوق انسانی اولیه تشدید کند. هدف اصلی حبس و زندان محرومیت شخص از آزادی

مجرم و در نهایت حفظ جامعه در برابر جرم است، برای رسیدن به این هدف باید دوره حبس برای تضمین رسیدن به این هدف باشد و در نهایت شخص مجرم پس از بازگشت به جامعه نه فقط مشتاق به زندگی، بلکه قادر به ادامه زندگی بر مبنای قانون و مقررات حاکم باشد. به این منظور زندان باید از کلیه نیروها و آشکال درمانی و ترمیمی، آموزشی، اخلاقی، روحی و کمک‌های دیگر که مناسب و در دسترس هستند بهره‌برداری نموده و از آنها برحسب نیازهای درمانی فردی زندانیان استفاده نماید.

در نظام زندان‌های افغانستان هم از گذشته تا کنون بر اساس اصول حاکم بر جامعه، حرکت به سمت استفاده انسانی از زندان بوده و با استقرار نظام دموکراسی تا حدودی حداقل در بخش قانونگذاری به این سمت حرکت شده است؛ اگرچه با توجه به گزارش‌های مراجع حقوق بشری، در عمل هنوز با مرحله ایده‌آل فاصله وجود دارد. این امر می‌طلبد که حقوقدانان و دست‌اندرکاران امر در راستای تحقق عملی اهداف انسانی قوانین کیفری به‌ویژه در قسمت زندان تلاش بیشتر نمایند تا حقوق مسلم و نادیده گرفته شده زندانیان پایمال نشود و در راستای تحقق عدالت قضایی تلاش لازم را مبذول دارند. بدین منظور گام اول برای رسیدن به این اهداف اجرایی نمودن قوانین جاری می‌باشد که توصیه می‌شود مسئولین زندان و مقامات ناظر بر امور زندان قوانین موجود را به طور کامل و بدون هرگونه اعمال سلیقه شخصی و تفسیرهای سلیقه‌ای و با هماهنگی قوه قضائیه اجرا نمایند.

با اجرای درست قانون، دو امر مهم محقق می‌شود؛ اول اینکه حقوق اولیه و انسانی زندانیان تأمین می‌شود و در نتیجه عدالت قضایی محقق خواهد شد. ثانیاً با اجرای کامل قانون، کاستی‌ها و ضعف‌های آن مشخص می‌شود که با نقد و نظرهای کارشناسی حقوقدانان و مجریان قانون، زمینه اصلاح یا تصویب قانون بهتر فراهم خواهد شد.

منابع و مآخذ:

الف) کتاب و مقالات:

- احرار محمد (۱۳۹۰)، محبس محل تجدید تربیت و ندامتگاه، کابل.

- جعفری لنگرودی محمدجعفر (۱۳۸۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- رامین علی، فانی کامران و محمدعلی سادات (۱۳۸۹)، دانشنامه دانش گستر، تهران: موسسه علمی، فرهنگی دانش گستر.
- ژوبل، محمد عثمان (۱۳۸۲)، «حقوق محبوسین در جریان تطبیق حبس در محابس»، ماهنامه تخصصی حقوقی و فرهنگی عدالت، ش ۱۰۲.
- فیروزآبادی محمد بن یعقوب (۲۰۱۱)، معجم التاموس المحيط، بیروت: دارالمعرفه.
- لويس معلوف (۱۳۸۲)، المنجد، مترجم: محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات ایران.
- محمدی معصومه (۱۳۹۵)، تحلیل آثار حبس بر زندانیان در پرتو قوانین سه گانه‌ی تقلید گابریل تارد، تهران: انتشارات مجد.
- معین محمد (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ب) قوانین:

- کود جزای جمهوری اسلامی افغانستان ۱۳۹۶.
- قانون محابس و توقیف خانه‌های افغانستان ۱۳۸۶.